

طرفداران «خشونت گریز» اعدام!

مهرنوش موسوی

جمهوری اسلام یعنی جمهوری اعدام و خشونت و سنگسار. این حکومت بر متن اعدام وسیع و چندین هزار نفری یک نسل از انقلابیون و آزادیخواهان در سال ۶۰ متولد شد، این رژیم است که آن را در زندانهای اوین و گوهر دشت و سایر زندانهای مملکت در میان ضربات کابل و شلیک تیر به صورت جوانان، تأسیس کرده اند. خشونت جزء ذاتی این نظام است. بدون خشونت به هیچ زنی در ایران نمیتوان الگوی فاطمه و خدیجه را به عنوان الگوی زندگی زن امروزی به زور تحمیل کرد، بدون زندان و شلاق و خشونت، هیچ جوانی را نمیتوان پای منبر یک مشیت جاهل مرتجع برد و تسبیح دستشان داد. بدون خشونت و قتل عام نمیشود انتظار و توقع کارگر از برخورداری از یک زندگی در شأن انسان را به عقب راند. بعد از ۲۴ سال مشکل رژیم این شده است که با خشونت هم نتوانست به اهداف خود برسد. با خشونت هم نتوانست جلو این جنبش را بگیرد. مردم حکم به رفتنش داده اند. اعدامهای اخیر جوانان و قتل عام علنی مردم، سنگسار و بریدن دست و در آوردن چشم هم در ادامه سیاستی است که بر پایه آن این حکومت ۲۴ سال است خود را در مقابل موج نفرت وسیع و عمومی مردم، تنها با توسل به آن نگه داشته است.

امروز صرفنظر از اینکه رژیم بر چه مبنایی و بر چه اساسی دور اخیر اعدامها و برپا داشتن چوبه های دار در خیابانها را و بساط این وحشیگری را بر سر مردم گسترانیده و افسارش رها شده است، باید به هر وسیله ای شده جلو این خشونت و بساط قتل عام را گرفت. به هر دلیلی که حکومت دست به این اقدام میزند، باید جلو آن را گرفت. باید جلو اعدام مردم ایستاد، باید جلو وحشیگری اسلامیون حاکم را گرفت.

واقعیت این است که فقط مردم میتوانند و قادر هستند که جلو این خشونت را بگیرند. تنها و فقط این نیروی اعتراض و مبارزه مستقیم مردم میتواند جلو بساط این آدمکشان حرفه ای را بگیرد. هیچ دستی از خیل کسانی که در تمام این مدت از بالا و رو به مردم، برای کنترل و مهار مبارزه شان، دعوت به احتراز از خشونت میکردند، دست هیچ یک از اینها برای برچیدن بساط خشونت و اعدام بلند نخواهد شد. این جماعت به خاطر اعتراض به کشتار علنی مردم، در اعتراض به اعدام، سنگسار، در اعتراض به بانیان خشونت جامعه از حکومت که سهل است، حتی از خانه های خود خارج نخواهند شد. این بساط را حکومت خود اینها به راه انداخته است. خشونت طلب واقعی این جامعه حاکمان فعلی دم و دستگاه اسلام با هر دو جناح آن است. کسانی که خروار خروار برای مهار و کنترل اعتراضات مردم، ورق پاره های رسمی و مجازشان را سیاه کرده و دم از احتراز از خشونت زده، کسانی که مداوماً بر اعتراض و مبارزه مردم، به انقلاب و قیام و اعتصاب و تظاهرات بر حق آنها مهر خشونت طلبی میزدند، اکنون رسماً و علناً دارند از دولتشان برای اعدام و خشونت تشکر میکنند. پز مسالمت جویی را در مقابل مردم میگیرند، وقتی به حکومت میرسند، اعدام میکنند، یا خفه شده، دودوزه بازی میکنند، یا خودشان را به نفهمی میزنند، یا اینکه بویژه در این شرایط جرئت کرده از اعدام و خشونت دفاع میکنند. اطلاعاتیهای دوم خردادی کف میزنند و هورا میکشند که دیدید حق مردم همین است. روزنامه آفتاب یزد از خیل ورق پاره های طرفدار خاتمی با بیشرمی و وقاحت تمام با شکر گذاری و سپاس به درگاه خونین اسلام و حکومتش مینویسد که « وقتی مجازاتی مبتنی بر درک صحیح از خواسته های یک جامعه باشد، این مجازات حتی اگر اشد مجازات یعنی اعدام باشد، نه تنها اعتراض بر نمی انگیزد که حتی سپاس جامعه را نیز در پی خواهد داشت» (۲۴ مهر، آفتاب یزد)

این جانیان را باید مردم پایین بکشند. یگانه راه پایان دادن به بساط قتل و جنایت زنجیره ای ۲۴ ساله این حکومت با همه جناحهایش، یگانه راه پایان دادن به بساط خشونت طلبان حاکم، پایین کشیدن بدون چون و چرای این جلادان

است.

هر دقیقه ای که اینها سر مردم را با لبخند این سید و قهر فلان آخوند و قهرمانی فلان اطلاعاتی خودی شان در زندان با این نمایشات گرم کنند. هر لحظه ای که با این خیمه شب بازیها وقت کشی کنند، مردم را چشم انتظار کنند، بترسانند و مرعوب کنند، به مردم بقبولانند که این مردمند که مقصر اصلی خشونتند، توقع مردم را پایین بیاورند، به هر بهانه ای سرنگون کردن حکومت را از دستور روز جنبش خارج کنند، چشم مردم را به بالا و به نیروهایی غیر از نیروی خود بدوزند، از این فرصت استفاده کرده و یک جوان دیگر را بالای دار برده اند، یک زن دیگر را تا نیمه در خاک کرده اند، یک انسان دیگر را کور کرده و دست و پای دیگری را قطع کرده اند. فرصت را برای تداوم این جهنم میخواهند.

نیروی صلح و آرامش و خوشبختی این جامعه مردمند. کسانی که مجازات اعدام نمیخواهند. قصاص و سنگسار نمیخواهند، آزادی و رفاه و خوشبختی و آرامش را برای همه مردم میخواهند. یگانه سناریوی ضد خشونت سیاسی در این مملکت گردن گذاشتن به خواست میلیونها نفر از مردم ایران، یعنی برچیدن بساط حکومت و انحلال تمام و کمال رژیم اسلامی است.

راه پایان دادن به اعدام، سرنگونی این حکومت و برقراری جمهوری سوسیالیستی است. ۵ سال برای نجات این نظام با وعده اصلاحات فرصت خریدند. ۵ سال میخواستند این هیولا را بزک کنند. دیگر بس است. وقت آن رسیده که نیروهای اصیل جنبش مردم و چپ جامعه ایران به این بساط خاتمه دهند. سرنگونی این رژیم آغاز عروج یک جنبش عظیم ضد خشونت و انسانی در ایران است.